

هشدار به مبارزان ضد دیکتاتوری

های سیاسی خیرهناک است. در واقع جنبش با کام های فرسنگی به پیش می رود و در حالیکه شرایط اشتباهی میان وطلاتی و فشارها و مباحثات ناشی از آن و کج روی های بی شکیبایی از عناصر پیشرو بر گذشته مانع شده که سازمان های سیاسی و طبقاتی و احزاب بتوانند از بسی پیش خود را برای مواجه شدن با این توفان برداشته نهند. از آنجا که سازمان ها و احزاب در توفان غرق شده و جنبش به مرحله بلوغ خود می رسد، سازمان های سیاسی از نظر تشکیلاتی هنوز تکامل نیافته اند. تشریح سازماندهی و رهبری امکان بهره برداری عملی و انقلابی از نیروهای عظیم راکد آزاد شده و مردم کمتر و وضع آن فرودستی می گردد. بنابراین عقب افتادن سازمان های سیاسی و در مواردی رهبران - از جنبش توده ها و نقاط آسیب پذیر این جنبش را زیاد و قدرت مانور و امکان برخورداری از همه توان آن را کم کرده است. به این ترتیب جنبش در حالی که از نظر طول و عرض و عمق تشارکی است و فاقد آن اراده متعززی است که بهترین نیرو را در یک نقطه گرد آورد و تمامی آن را با حساب شده ترین تاکتیک های مبارزاتی، مملو می به فروری تهرین هدفی ها و ضدیت ترین حلقه استبدادگام دشمن سازد.

دو مشکل در شرایط فوق از سوی جبهات ضروریست های را بر جنبش تحمیل کرده که رهم شاه - ساواک از آن سو و فرزان می بود و در امر تبلیغ کردن این مسئله و درون انواع کارشکنی های را معمول می دارد. اما با وجود این نقاط ضعف اساسی شدت گنبدی رژیم و حد تعهدات های آن و شرایط مسلط جهانی و گسترش بی سابقه دامه نارضایتی ها و ورور آوردن روزافزون افکار و گروه های جدید به مبارزه علیه دیکتاتوری و چسبان ابعاد پهنای و فرقی دارد که زلزله در لرگان رژیم انداخته است. وقتی کار یک رژیم رژیم شکسته به آنجلی کشد که مردم برای ساقط کردن آن با پشت و جبهه ستی به تانک ها حمله می یوند و دزد باور گلوله سینه سپری می کنند و با خون شهدای خود بر دیوارها شعارهای آزادی می نویسند در زیر کار هرگز مسلسل ها به تظاهرات می بردارند و با اعتراضات یکباره و با شکر و خرد شهرهای بزرگ و کوچک را تعطیل می کنند و در آن حکومت کنندگان را پایان یافته باید شود. چنین شرایطی در همین حال بهترین فرصت را در اختیار سازمان ها و احزاب سیاسی شرقی می گذارد تا از تنش خلقی را در صفوف خویش متمرکز کنند و جراحات خود را با زوزه بیاداری که توده ها بر قامت آنها می کنند و پیشانند. در همین حال زیر فشار توده های و جبهه رزم شاه و شرکا نیروهای مختلف صنفی و سیاسی واجتماعی ناگزیر به هم نزدیک تر می شوند. تا آنجا که فرمان ضرورت گریز ناپذیر به هم گره بخورند. . . همین در سناسات که هر روز جنبش تر و متکن تر می شود و رژیم جلاد تاجدار وانگ ها و کجروهای راکد در او رابطه زده اند و متوجه روشنی وضعی می کند.

در حال حاضر با توجه به روند بی رفته واج گزند و جنبش و دورنمای آن در مظهر عمده باید در حساب ها و احتمالات منظور داشت: ۱- در ماه دهم ۲

بحران همه جانبه وضعیتی که چون توفان و کربلای سینه مارا در می نورد و هر روز به اندازه چند ماه و هر ماه به اندازه چند سال آسختن به گراشتن و یکواختی جنبش خلقی راه پیش می برد و تحولات انقلابی را در این می زند. مبارز کردن و کنترل این جنبش عظیم رشد یافته و عجل از عهد در او دست و دیکتاتوری و لایه های و مصلحتان آن خارج شد است و همین جهت رزم گنبدی به درنده استبداد بسیار در زنی که بر دیگر تشارکی جنبش می زند و آن را وسیع تر و قوی تر می کند و با هر تهدید مبارزان را جری تری سازد و با هر عقب نشینی - اگرچه ناچیز و سانسنتری - نیروهای دیکتاتوریک و ضد امپریالیسم و ضد سلطنت مطلق را به پیشرو و تهاجم بیشتر تشویق می کند و با هر تهدید و چشم فرسود و دندان کرمچه و خشم و عصیان توده ها را شعله و ترس می سازد و در نهایت با هر تلاش و سیاست و حرکت تازه بیشتر در باطنی بی امیدی که در آن افتاده فروری رود. رژیم شاه و شرکا در همین چند ماه اخیر صد ها شهید و هزاران سرح و راسخ و در پشت سر خرد باقی گذاشته و دانشگاه ها را تعطیل کرده و سران و شخصیت های مبارز آزاد بهر آرزو را با حبس و جانی و جانی و با بازنی رسوایی ها شان ساواکسی به خاک و خون کشیده و خانه زندگی آن هزاران کرده و به اعتراض و روشنفکران و استادان دانشگاهها، قضا و کتای مادرگستری و نویسندگان و هنرمندان و ژنرالها و افسران افسان و فراتر از این ها که به حرکت های ناشی از نارضایتی و اعتراضات و بیوفای کلرگان و بیستگامان با توطئه و لاری و کوله و زندان و زندان و زندان و صحنه آرای و زلالت جواب داده است. اما از این همه شارت و سناپت و وسیع و دروغ و تشارکی جنبش از نوازی معین تر و جدی تر بیشتر از حکم مست شوندگان و شعله و رتر ساختن آتش مبارزه و اعتراض و برخاستن و بهره ای نگرفته به قبل معروف باد های کسه گانسته - توفان های سپهنگین بهار آورده است. در حال حاضر جامعه ما عملاً به در و لوله و پر جوش و آتش ناپذیر تقسیم شده است. اردو و دیکتاتوری باخوب چپا و لنگران و لعینگان امپریالیسم و فاسدترین و شورونترین عناصر و نیروهای اجتماعی و اردوی ضد دیکتاتوری که تمامی خلق را در پی خود می برد. ای از عناصر و افسار طلبه حاکمه و در مقابل خود به بی طرفی و بی اعتمادی بوقی بر می انگیزد. در چنین موقعیتی ما با دو مساله تامل نوجوه رود و روئیم:

- ۱- شرایط معینی وحدت نیروهای ضد دیکتاتوری و از شرایط ذهنی آن بسیار جلوتر و پخته تر است. به این معنی که در متن ساده ترین و بدین ترین شرایط و نیروهای مختلف سیاسی هنوز نتوانسته اند در امر مبارزه حیاتی مشترک با استبداد متحد رسا شاهی و وحده ترین با یکدیگر آن ساواک به بلاتوافقی اصولی و صلی بویستند. آنها در عمل و شاد و شوی و تنگ اندک هم در سنگر ضد استبدادند و ولی از لحاظ سازمانی و تاکتیک هم از لحاظ اشتراک مسلطی در زمینه های مورد توافق و جدا از یکدیگر. این تجربه نیروها و بهترین نقطه ضعف جنبش مهم ترین سبب است و رهبران و عناصر آگاه و دیکرات در مقابل آینده را با تخلق های ما در دیدگاهت سرزنش ساز کونی است.
- ۲- جنبش گسترده و واج گزند ما حتی نواز سازمان



به مناسبت ۲۱ اردیبهشت روز زندانیان سیاسی

آنها که زنده اند

۲۱ اردیبهشت ماه روز شهادت خسروریزه و روز زندانیان سیاسی ایران، به یاد آور عقب های شوریده های است که در پیروهای بلند و آرمانی خود از نفس ها بیخوله های شاه سر در آورده اند. این که سالروز مرگ پهلوانی روزی که توان روز زندانیان سیاسی از طرف خلق های ما نمانده شده و خالی از محتاج نیست. خلق ها هر ابه ای خود را در پای سنت های گنبدی که از آنکه در رویاها و نورد ها و سپهر امید آن ها شکفته باشد. و زمین معین حدیث و سنتی است و ظهور نبرد و ایمان و سرودی که چنین آزاد و مشهور را ادب و در اعتراض است. اموری کتوانان از جلا و خوش استعزاز صفای رنج و مشقت خویش به کلیای سرخ شوزا به موج های کبود خورده به بوسه های که در حله گلدان ها خوانند شکست و لبخندی می زند برای تاریخ فتح های فردا و شهادت رهنده شهید و پیرسویج و سرگری که عاشقانه با هر گنجی گردن تان زندگی راکه در دست های خصم خلق پلاسیده شده به او پیشکش می شد و تحسیر کند. تهرمانی که تجسم مقاومت علیه ناپذیر و جبهه بی پایان مردم است و مردمی که مردم است. . . مبارزان خلقی همگانی که قدم به زندانها و شکنجه گاهها می گذارند و از زیر دروازه ناموری مرخصی می گذارند که نام روزی که حین کلام مقدس از آن می تراود و طنینی اندازد. در این نام نیروی الهی بیخفته است که به مبارزان و عاشقان آزادی بخیر و سعادت و پایداری می بخشد. صدای پاک و نافذ روزی و صدای آن اخگری است که از قلب ایرانی حرقه زد:

سمن تمام نمی شوم. تا وقتی شاهه این کلر از کلکسون پشت نکرد باید من همتم. . . تا وقتی جان هار زندان ها و کعبه گاهها ندوب می شوند من همتم. . .
در این پیام رمزی است که مبارزان آن را در پی می یابند، چرا که بزویی از آن را در روح خود احساس می کنند. این هر کس که از زندان ها قوی تر است ۲
د ماه در صدمه ۳

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صنفی و سیاسی خود مبارزه کنید!

حکومت نظامی در تهران

رژیم تظاهرات مردم اهواز را به خون کشید

صد ها تن از مردم اهواز سه شبه شب هفته گذشته به یاد شهدای قم با شعارهای ضد استبداد و گمراهیهای آن های شیوه راه افتادند و تظاهرات اعتراضی پرشوری بر پا داشتند. پلیس که مجبور به انواع وسایل سرکوبی بود برآه را بر این اعتراضات سلامت جویانه مردم بست و ابتدا با باتوم و سپس با گلوله و اهلشان را سد کرد. در تیراندازی پلیس به سوی تظاهر کنندگان اهوازی و ده ها تن مجروح شدند و بخانه و خون افتادند. هنوز از تعداد دقیق مجروحین و احتمالات گفته شده گسار اطلاعی در دست نیست. به دنبال این حادثه و ز چهارشنبه دانشگاه جندی شاپور و بازار و مناره های واقع در خیابان های اهواز تعطیل شد.

حوادثی عمال شاه راه سمرقین کرد و برای هر توطئه ای که رژیم می چید پاسخی دندان شکن دارد. در هفته گذشته هزاران معارضه تهران برای اعتراض به کشتار مردم بی سلاح و آزاده در قم، شیراز، تبریز، کازرون و... تعطیل بود. در سومین روز قبل عام مردم قم نه تنها بازار تهران به طور یکباره تعطیل شد بلکه هزاران معارضه در جنوب و مرکز شهر باز شدند. مردم در اطراف بازار تهران محاصره سربازان و افراد گارد شبهبانی و پلیس رفت و آمد از راه های دیگر شکافتند و با فریاد و مرگ بر شاه محلات تهران را بست سرگذاشتند. در این روز ده ها تهرانی در اثر اصابت گلوله در خون غرق شدند. مردم با تمام توان و محاربه گاه به طور پراکنده در تمام طول هفته گذشته ادامه یافت. مردم با انتصاب همگانی به دروغمان ایران اعتراض کردند.

در تهران حکومت نظامی برقرار است. اگرچه رژیم شاه - ساواک رسماً اعلام نکرده اما سرکوب و وحشیانه خلقه خشم آمده عمل به ارتش سیرد شده است. پس از یک تیرین بهانه زود پیشها در ده ها نقطه تهران مستقر می شوند. توپ و تانک نیز هو شو توپ و توپ و مسلسل به خیابان می آیند و برای کشتار جمعی مردم آزاد سخوا آماده می شوند. سرماهای گارد شاهنشاهی در هفته اخیر بارها با آرایش جنگی در خیابان های تهران مستقر شدند و تهران راه به شکل شهری حلقه زده در آوردند. مقرات حکومت نظامی مانند در ده ها دیگر ایران در تهران برقرار است. حتی بر اساس گزارش های رسیده از درین ارتش فرماندهان به دستور مستقیم شاه - رای سرکوب مردم فرمان بخشنامه صادر می کنند. محدودیت رفت و آمد اجداد می کنند و هفتاد نظامی می دهند.

تظاهرات آزاد بخوانه مردم شهر راه آشوب می کشد. کار سرکوب و دانشجویان آزاد بخوانه تهران به نظامی واگذار شده که نمونه بارز آن حمله افراد ارتش به دانشجویان دانشگاه تهران بود.

شاه شخصاً رهبری ارتش را بر می خیزد. تظاهرات مردم در هفته گذشته به عید داشت. او برای این کار روز سوم گلوله باران مردم قم حتی ملاقات ها و از قبل تعیین شده روزنه تیرا هم لشکر کرد و با بی سیم مخصوص عملیات ارتش را برای سرکوب مردم به عهد گرفت. در این روز تنها آلودان های نظامی و فرماندهان ارتش اجازه تماس با شاه را داشتند.

رژیم برای کشتار تظاهرات و اعتراض های مردم به افتخارات و توجیه مستقر کردن ارتش در شهر و گلوله بستن آن از بخوانه و شاهجات متعدد در باره آتش زدن انجمن ها و وسایط ها پیش کرد. در زیر این شاهجات رژیم توطئه دیگری هم سازمان داد. با توسل مردم و در نتیجه توقف ماندن هزاران انجمن در حاشیه خیابان ها، پارکینگ ها، کویچه ها و خانه ها این امکان را برای خفتن به وجود آورد که توپ و تانک راه راحتی در محله های شهر که در روزهای معمولی ملول انجمن مانده در تانک است به حرکت بر آورد. رژیم با این ترتیب از طرفی استقرار نیروهای ارتش را در شهر آسان ساخت و از طرف دیگر مردم را ترساند و این چنین تأثیر کرد که

در ده ها شهر دیگر ایوان از جمله اهواز، تبریز، شیراز، اهلبان و... نیز مانند تهران ارتش حاکم مطلق است و با دستور صریح تیرانداز طوری شاه در خیابان ها مستقر شده است. شاه برای مبارزه با دلار اسلحه ای که طی سال های گذشته خریده هدی دلخواه پیدا کرده است: سینه شریف آزاد بخوانه. اعلامی رسم تمام این نمایشها و جنگ و دندان نشان دادن ها که جاشی همه آن ها خون پاک خلقهای قهرمان ایران است مردم در ده ها شهر بزرگ و کوچک باشت های گرفته فریاد می کشند تا مردم را آزاد، مرگ بر این رژیم فاشیستی و جلا ننگها...

خوشحالترین مردمی هستند که امکان هجوم وسیع و ناظرانه و ناگهانی و فوجین رژیم جلادان وجود ندارد. از هم کسب باید ترتیب مبارزه و سازماندهی مبارزان به شکل انعام کرد که بر روش ناگهانی گرازیهای شاه و دستگیری و طرح قتل عناصر آزادی بخوانه و رهبران و ارشاد کنندگان و ایجاد یک فضای اختفاتی و پلوسی شدید، نتواند ضربه مهلکی به جنبش وارد سازد. سازمان ها و کلکشن های مبارزه باید با پیش بینی روش ناگهانی و هم برنامه کار خود را تنظیم کنند و همه احتمالات را رعایت نمایند و با انعطاف و آمادگی لازم قدرت و ظرفیت تغییر شیوه و تاکتیک مبارزه را برای خود نگه دارند و بپندارند. آنچه در شرایط موجود بهترین سپر در برابر یک چنین حمله احتمالی و ناگهانی است اتحاد عمل هر چه بیشتر و هر چه آگاهانه تر نیروهای ضد دیکتاتوری است. فراموش نکنیم این پیام نغمه و در اینده "لینن کبیر را که:

که دریاها خون آن را از برود پیدا می کند، عملاً به معنی بیوستن به جبهه ضد خلق و آزادی حتی است. چنین انقلابی صوری، هیچ امید و دروشتانی ندارد. تنها داع ننگ رژیم را بر پیشانی آنها نیز نقش زدن و این قلب سرطانی را در دیگر آنها به کار می اندازد.

۲- خطر هجوم ناگهانی و گسترده رژیم. مار زخم خورده خطر ناک است. آج گوری جنبش رژیم ضد خلق طوری استبدادی شاه را ضعیف تر و در ناک تر می سازد و گل میجو دیت آن را تپید می کشد. از این رو مبارزان با شناخت خصلت واقعی و طبقاتی شاه و فرمان و اخبارش، هر ترمز را که و نهایت و تیز و درندگی را از جانب او باید در مد نظر داشته باشند. روشی که بارها ثابت کرده اگر خود را در خطر جدی ببیند و از هیچ قسوت و سواست و خوشتریزی رویگردان نیست، رژیم به پایه های آن روی گویستان شریف ترین و در تیرترین فرزندان خلق های ما استوار است. رژیم که خاطره کشتار ها و جنایات وحش آن از جنبش آذربایجان و کردستان، تاجیکان کردستان و امیرالینتی ۲۸ مرداد و کشتار اخیر مردم در قم و تبریز و کاشان و سمرقین و کازرون و تهران و دیگر شهرها، از اینسان بخفت خوشخوار، یک هیولای ساخته شده از خون و فحش و مرگ و تجسم می دهد. از آن باکی ندارد که برای بقای خود رنگ و روخانه میسب ما را با همین وطن پرستان گلگور. کد و شپرها را به گویستان های صوری بدل سازد. مبارزان می آن که دچار بیم پادشاهی شوند، باید از این

هشدار به مبارزان

۱- امکان ساخت و پخت رژیم با عناصر مردم و نیروها، منزلت در جنبش ضد دیکتاتوری.

۲- رزیم و سرکوبی و سرکوب حق الله و عقبنشینند و امتیاز ندهند. اگر آست تا با دفع الوقت به صدای از این دنده به آن دنده فرج است، اوضاع را کشید و هدوا فرصت های ضعیف کهر جریان این وقت کنی هاور کمن نشستن هابه دست می آورد. برای مردم شکستن مخالفان و ضربه زدن به جنبش صوری خلق استفاده کند. اما فشار نوده ها و نیروی مبارزه مردم در حال رشد است و این رشد آن قدر ادامه می یابد که رژیم را برای حفظ مواضع حساس تر و اساسی تر، به تن دادن به برخی امتیازها و عقب نشینی ها وای دارد. اینجاست که رژیم به سوی نیروها و عناصر ناپایداری تر جنبش ضد استبدادی دست دراز می کند. ناپایداری آنها از کسوخون و نیروی حمایتی تازه ای به کالبد نمانند و مسجود خود تزیق کند و از دیگر صورت جبهه مخالفان خوشگفتی و اختلال ببندد. مبارزه با عناصر و نیرو های مردم سازشکار و فرصت طلب و افشای هر چه بیشتر ناگهانی که همه با سوسه سازش با رژیم ضد ملی و... مبارزه و مبارزه و ازین بین فاسد شاه - ساواک را دارند، مبارز ترین وظیفه مبارزان است. به عناصر مشکوک، معامله کرد و ترسان می که به درون جنبش رخنه کرده اند، باید با آوری کرد که هر نوع سازش و معامله بیوند با رژیم موجود

بیاموزیم | افشا کنیم | سازمان دهیم
برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

نبرد اعتصابی در کارخانه ایران پلاس

حاصل می شود، به طرز ماهر نمی گردند. مسئولان کارخانه ایران پلاس مظاهران و سالوادار مدعی می شوند که حدود بی کار نیست تا بهین کارگران تقسیم شود. و این ادعای دروغین که نقل دروغ های شاخه دار از آن می شود، نظریه را تنظیم می آید، از حمایت وزارت کار نیز برخوردار است. کارگران ایران پلاس پس از سه تلاش برای احقاق حقیق مسلم خود به کلیرند و جز پاسخ صلی نشنیدند و سرانجام مبارزه اعتصابی را برگیرند. از سرانجام این نبرد یکپارچه هنوز اطلاعی نداریم و هر مسلم این که به نظر کارگران کارخانه ایران پلاس هر کس که احاطه این نبرد صلی به امکانات صوم مبارزاتی خود و راهها و شیوه های صلی برای تحقق هدف های عمومی دست می یابند.

پدیده های خواست های حق خود وادارند. آن ها می گویند در حالی که زحمت و کمر بر شفت ما برای خود ما آن قدر بهره ندادند که بتوانیم ساده ترین و کفایت آفرین ترین زندگی را برای خانواده خود بخت تا بهین تمامیم. در حالی که از لحاظ تا بهین سکن و خورد و خوراک و پوشاک و مصلحت ترین و نظریه نیست وضع را تحمل می کنیم، مگر فرما از قبل رنج و کمر ما ثروت های کلان می اندازد. چرا و چه چنانچه از نفعی که از کار ما

کارگران کارخانه لاستیک سازی ایران پلاس - واقع در جاده شهید باهنر (خیلی شلوغ) - به عنوان اعتراض به عدم پرداخت سود سه ساله سابقه از طرف کارخانه از روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. عده ای از کارگران اعتصابی هر روز صبح در برابر کارخانه اجتماع می کنند به اشکال مختلف می گویند تا کار ما را به

آنها که زند هاند

هر زندانی سیاسی و مطهر یک نبرد است. و مبارزه هزاران زندانی سیاسی در ایران از صوم و عظمت یکبار جانانه ای که بهین خلق های تسخیر ناپذیر ما و امیدوار کنندگان آنها در هر گام است و خبر می دهد. اما زندان خود میدان جنگ سبکس نمی است. در این میدان هزاران فاجعه و صحت و حماسه مردم در شرف ظهور است. هزاران سرود و غزل خونین از لثامش را و احسب مبرج و دماغ و درفش خورده به صدا در می آید و در تارخی که اتفاق افتاده، اما هنوز نوشته نشده، جاری می شود. این تاریخ معانیت و خلق است که تاریخ های رسیده کشیده و سرخاب و دروغ مالدیه و تاج هاله افشته به بلا و خسرون جداست. در هر دره این تاریخ حلقه های بی نهایت از طبقه و ناطق حمید و عمو باغلی، از طب روزه ناطق شیبک که هنوز برخاک نینداده است.

۱۱ اردیبهشت روزی است که در صحن ما ملین ها قلب و سلولن ها در پیچه به روی این تاریخ زنده و جاری می کشاید. گوش کنید... از هر یک از این در پیچه ها و آواز های رزم و سخن و خاطره می آید. این صدای عشق و دلجو مدد است و خلق ما است، صدای تنمیر و زندان آنهاست. صدای روزنه است که می گوید:

تنها می روم و بتاسر سلولن ها شکوه و نورا در پرگرت
...
صدای کسری است که می خواند:
مگر مولوی بی پایه برده اند که ما بهرم؟
صدای همایون کورانی است که از زندان این ناطق اسطوره نقی زند:

زندان و دلیل زنده بودن ما است، ما مرده هاست که کاری ندارند...
صدای پاروشدن و رگهای گرم "ترک است، ممدان حین داشتند نه ترک است و در آن دم که با شیشه شکسته ای که رسوده بود، می خواست سر این خود جدا کند تا آنچه را که در صوم از او طلب می کرد و نگوید.
صدای سبلی زندان است بر گونه علی خاوری و در آن روز که خنجر فرهاد او در پاسخ نداشت طلبی زندان ایران در محاط زندان قصر قلب همسزنجیران اورا با نوری باطنی ابدی تسخیر کرده بود:

۳ جاززی در صوم به ماتوهین کشید. ما بهیمان نیستیم و سر فرازم، از عقده خود سرفرازم...
جناب سرهنگ، من زندانی سیاسی ام. انتظار می کشم که تو به ایام، به خاطر ما مردم بودن زندانی شما هستیم به خاطر مردم بودن، توده ای خواهیم مرد. لطفاً به ما نهمست تزیید.

باز صداهای دیگر... سرود حماسه باید آری صدای صفر قهرمانی:
۳۱ سال صبر کردم، باز هم صبر می کنم... آن قدر می مانم تا مرزبان واقعی ایران درهای زندان من و

زندانیان که از آنها باخبر بود، رنگشند، رنگهای خود را در صحنه تنگ ها و سلسله ها بافتند. زندانیان گفت:

... خانه نگاری دارید، باید به بند های حدی رسید.
... حیوانها خریدند که:
... ولی چرا با بنده سرتیزه و کوله؟
زندانیان لبخند زدند. در این نهمند نهمند شنام روح می زند.

... می خواهید مقاومت کنید؟
از اس سوال تحریک شده بود استیوا: و خطر می آید همه و دانستند که زندانیان مدتهاست در انتظار احاطه مناسب است تا هر شریک به آن ها بریزد. او با خط نشان کشیده بود و بارها قافیه رهاخته بود. حال فرصت مناسبی را در چنگ داشت.

فضای زندان سوزان سرشار از نور و حریر بود، آن غرو خفا: و صبا حوکه دلبری این پیش از هر چه بود اما آن روز همه غمگین بودند. - هان نیمه تارسیک تنگ ها، شوشی نمی گردند.

زندانیان تصمیم بلا صوم می خواست. او زندان های نیز و زهر آگینش را در گوی این کت های جوانان فرو برده و خیال می کرد با یک حرکت آنها را در صوم می شکند. در این لحظه بیخ ای در میان زندانیان ولول انداخت:

... آهای صوری... هر چه او بگوید...
و در میان این همه خرامک زندانیان باز شد. بر می چو یک پشت کرده کرده و در انتهای صف ایستاده بود. ننگ ها آرام به سوی او برگشت.
حوری نگاهش را که دردی بود بر آن می درخشید به همه زندانیان پرتاب کرد:

... اگر می خواهید ما را تسخیر کنید، ما تسخیر ما میروم خواهیم شد. پاسخ ننگ های شام و شنت های گره کرده ما است. انتظار نداشته باشید که اعلان جنگ شمارا با لیکنند خواهیم هم. آیا می خواهید از روی صمد ای غرق در خون ما بگذرید؟
رنگ از روی زندانیان پرید. انتظار این هجوم و فوا دلبری بی باکی را نداشت. کلمات حوری چون شقایق در دل و جبهه زندانیان شکفته بود. بر ای زندانیان هیچ گره راهی جز عقب نشینی باز نبود.

ما دستاچکی گفت:
... ضد اهانتی نیست "سو" نگاهی پیش آمده...
زندانیان سینه هایشان را با سرستون و رانگیزی جلو دادند. شیر توده ای پیشاپیش زندانیان دیکر تنگ ها و سلسله ها را پس زد و راه خود را گشود...

هر زندانی. در استانی است که هنوز نوشته نشده. روز ۲۱ اردیبهشت ماه هوسال و خلیج های ما در ما سراهای شو را ننگ دلبری و روز این داستان ها، جبهه و ادبسی خود را می بینند. ۲۹ اردیبهشت روز خاطره ها و رزم و وقار آری و مقاومت است.

همه زندانیان کشور را با یکدیگر...
باز هم جدا... جسد اهالی که خاطر و تصویر و شیخ و شویخ است. صدای هوشنگ تیزی در آن روز دم کرده ۲۸ مرداد ۱۳۵۰.

آن روز زندانیان ها و دشمنان به شکرانه پرفری حمله بر مردم و نقل و شویخی بین زندانیان تقسیم می کردند. وقتی در سلول هوشنگ را گشودند و جبهه نقل را بر سر زندانیان گرفت و نهمند زندان راه لوزه در آورد:

... من برای شستن ننگ چنین رفتی است که به زندان آمده ام. شویخی جشن ۲۸ مرداد فقط به درد شاه و شعیان می بخ می خورد...
دشمنان به نیت ابراهیم نیز تازیانه گرفتند. گفتند:
... نانگو بیلط کردم و تازیانه می خوری.
پس از دها غریه در ننگ و منتظر پاسخ این قهرمان توده ای ایستادند. هوشنگ توی چشمش پشان زل زند

و گفت:
... من کوشش می کنم که کم نیست هیچ وقت نمی گویم غلط کردم.
دها غریه دیگر با کابل بر باها میشت او گرفتند. فایده نداشت. در صوم گفت:
... گویم کم نیست و حانت را خلاص کن.
... هشتم... این تنها چیزی است که تو توانی از من بگیرد.

باز هم ضربات تازیانه...
سرانجام حسته شدند. هوشنگ لنگه ننگان به سوی سلول خود بازگشت. در آستانه ششم گاه منزل طعنه برگشت. با لیکنند و نهم سرانداش کرد و گفت:
... روزهای جشن شما روزهای عزای مردم است. این را از او بشنید.

و بیکره های زنده و جراحی و نهم او، بنده خلیس دان ما انصراف نوده ای...
... نفر به ساید کی... نفر. در پت- سر هر یک از آن ها می لرزید از شهید او فرمانان ایستاده اند.
"به آرم" آنها را نیز پسران "خوانده است و اما آنها بر نمی نهند. آنها در دل های مردم بتازیم... و آن اندی اند. مگر این که وقتی از ما تلنگری می رسد:
... حراعت را ندان، کی؟ ما مددتی می خواهیم

... تو برو...
قهرمان توده ای با لیکنند استیوا گفت:
... بری که در سازه بگذرد و تلف نمی شود. اینست شایسته که یک مددتی دست و پامی به من و رفیقانم بد هکارد.
شیر سراز با صما، آرتشی که شکست خورد و اما معلوم شد:
حوری، در ا لقره کی خش باقرزاده، موسی و تلنگری...

وجه کسوست که آن روز بهاری سال ۱۳۵۲ زندان سوزان را فرا برد کرد.

در دانشگاهها چه میگذرد؟

امواج خشمناک فرهنگی علیه اقدامات ضد فرهنگی و سیاست کلیه و بیانی و بنام و وسیع های رنگارنگ رژیم شاهنشاهی و دانشگاههای کشور را در گرفته است. در این اعتراضهای خشمگین استادیان دانشجو در کنار هم دست در دست یکدیگر شرکت دارند. صدها استاد شریف دانشگاههای ایران با صدور قطعنامه های افشاکرانه و نامه های اعتراضی در کنار هزاران دانشجو ی آزاد بخواه به مبارزه علیه رژیم پروسواختنای آریامهری برخاسته اند

فریادهای اعتراضی چون جهیاری خود را به روی خروشان خشم خلق علیه استبداد و موجود کاسکی می رسانند رنج و مصیبان جلدین ها کارگر و دهقان زحمتکش ایران در گوی هزاران دانشجو ی آزاد بخواه فریاد می شود و مشت کوبیده زحمتکشان خواب آرام خوشبختان جنوره شبان آریامهری را بریشان کرده است. ضشهای کوبه شده یکدیگر را می بایند تا چون پتگی فرود آیند. این آخرین حربه است. تمام توان خلق باید در آن جمع شود. سرک استبداد نزدیک است.

نگذارید دانشگاه صنعتی تهران را منحل کنند

سیاست ارباب و حربه انعام می کوبد. بدین معنی که ثروت پس از روزگار آردن فتنه های داخلی از طریقی است به بیت دانشگاه صدمت به فراخواندن افراد به دانشگاه های ارضی و سپهر. نیمه بعد از این ارضی کس در آرزوی به موسسه میگری می کند. نظیر چنین عملیاتی (سیاست ارباب و حربه) در موسسات آموزشی مشابه بازمی بیند. به رژیم با موفقیت همراه بوده است.

آریامهری بر جامعه ایران در طول حیات کوتاه خود و شناخت در ستاز ماهیت رژیم های وابسته به آسانی می توانی به این حقیقت بود که در این گونه نظامها هر نهادی که در تضاد با شایع هیات حاکمه داخلی و حامیان خارجی آن عمل کند می بایست در انتظار عکس العمل های نظیر آنچه که در فور اشاره رفت باشد.

در شرایط کنونی ایران که هیات حاکمه به برهانه نبود شخص و به نام توسعه اقتصادی کشور (گشودن صنایع و مونتاز توسعه اقتصاد لالی رشد سرطانی بخش حدیقات) صدها هزار نفر از اتباع فیلیپین، کره، ژاپلنده، اسرائیل، آلمان، فرانسه، انگلستان، امریکا و غیره را به قیمت نارنج شایع ملی به کار می گمارد و صدها هزار نفر از او طلبیان، برود به آموزش عالی را در بیت درهای دانشگاه ها ازاد استمهیل محروم می کند و سبب ازاد هزار نفر جوانان ایرانی را برای ادا تحصیل ناگزیر به روی آورده به به دانشگاه های خارجی می نماید. انحلال دانشگاه صنعتی آریامهری که آمارگی کامل برای پذیرش حد اقل هزار داوطلب تحصیل در دانشگاهی همسطح با موسسات آموزشی بین المللی را در در اختیارش منافع ملت ایران و در جهت خدمت به شایع بهنگانگان است.

صحر وطنان:

آنچه که این روزها بر تارکین دانشگاه صنعتی آریامهری بالاخص جامعه دانشگاهیان ایران بالاعم می گذرد دستوری جدی به منافع ملت ایران به نام محروم و ضایع دانش آموزان دانشجو یان، معلمین و کارکنان دانشگاهها به طسور خصوصی است.

در این مهم شایسته است که با ایمانی راسخ به عقایدت حرکت های اصول خواستاران استقلال و بزرگی وطنین عزیزان با اتحاد و همبستگی توسط هارانتی بر آب نوده و از انحلال دانشگاه صنعتی آریامهری جلوگیری کنیم. جلو گیری از انحلال دانشگاه صنعتی آریامهری تنها باید بر سر دانشجو در آرزوی هکسانی کنونی امکان پذیر است.

اداره فعالیت آموزشی دانشگاه صنعتی آریامهری در تهران به معنی پذیرش سالانه حد اقل هزار داوطلب نشسته برود به آموزش عالی است.

امکان ادا این خدمت را به کارکنان دانشگاه صنعتی آریامهری در تهران بد عهد

نمودند و با شکل در سازمان صنعتی هم خود را صوری ایجاد محیطی سالم و صویا به منظور فراهم آوردن زمینه های مساعد برای تربیت نسلی ضربه به حال کشور کردند. . . .

کارکنان دانشگاه ضش شکل در سازمان صنعتی خود به منظور تامین حقوق مادی و معنوی در عین حال نسلی توانمند نسبت به تعدیات و پایمال کردن حقوقی انسانیت ارضی جامعه دانشگاهی (دانشجوگاران) بی تفاوت بهمانند. کارکنان دانشگاه بارها عدم رعایت خود را از یاد برده گرفتن و لغو آئین نامه ها و مقررات دانشگاهی و سلطنتی و احوال خلیای قانون دستگاه پلیسی مانند حضور کارگر، پرورش ماچوران صلح و ضرب و جرح افراد به صورت اعتراضی و تضییع نشانی داده اند. . . .

بناچار به مطالبه فوری ادا فعالیت دانشگاه صنعتی آریامهری از وضعیت بقایر با اهدای و دیدگاه های حکومتی ایران است. یکی به دلیل وجود صوری مناسب و آینده نگر برای پرورش افرادی که استقلال و بی نزاری جامعه را در زمینه های فنی و اقتصاد و خواستارند (مقاومت در برابر استعمار سلطنتی و دیگری تشکیل و همبستگی افرادی که تحقیق خواست های دموکراتیک را در نهال می کنند) و مقاومت در برابر خودکامگی.

در بدو امر چنین به نظر می رسد که هیات حاکمه به منظور در هم شکستن شکل گروهی کارکنان دانشگاه خود را ناگزیر به انحلال دانشگاه صنعتی آریامهری می بیند لذا به منظور توجیه عمل خود در افواه عموم چنین شایع می کند که دانشگاه صنعتی آریامهری به اصفهان منتقل می گردد. در صورتی که در اصفهان دانشگاهی جدا گانه با کادری که قبلا زمینه آن مستقل از کارکنان دانشگاه صنعتی آریامهری در تهران از طریق هیات حاکمه فراهم شده بود تاسیس گردیده است و تنها وجه اشتراک این دو موسسه آموزشی نام آن دومی باشد.

به دنبال انحلال دانشگاه صنعتی آریامهری در تهران امکانات و ضعیف آن را نیز به دانشگاه علوم و فنون ارضی واگذار خواهند کرد. واگذاری امکانات و محصل دانشگاه صنعتی آریامهری تهران به ارضی دو منظور را از دیدگاه هیات حاکمه تاسیس می کند.

اول آن که برای فرار از رژیم خراب کردن صحنه ی به بهانه ساختن صحنه ی دیگر تاسیسات و امکانات دانشگاه را بلا استفاده نسلی که در بدو آن کتیمت فقرات و ضوابط نظامی امکان هرگونه پیمان و استقلال عمل را که لازمه یک صهیونستایی است صلا در محیط نظامی در نطفه خفه می کند. این هر دو عمل نظر دستگاه رابری حلوگری از شکل گروهی افراد بر آورده می کند و در صورت موفقیت از دیدگاه رژیم الگوی دانشگاه نظامی به سایر موسسات آموزشی تصمیم داده خواهد شد.

لازم به یاد آوری است که تصمیم به انحلال دانشگاه صنعتی پس از عدم موفقیت هیات حاکمه در افعال

هیات علمی دانشگاه صنعتی تهران در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه طی نامه ای خطاب به نخست وزیر نسبت به تصمیم دولت مبنی بر " انحلال این دانشگاه در تهران زمینوار انتقال به اصفهان " اعتراض کرده و خاطر نشان ساختند که:

" نتیجه به نگرانی های نسل جوانی که پیشت در دانشگاههای ایران مانده است و با توجه به سرمایه ای که این نسل برای ادا تحصیل همه ساله به خارج از کشور می برد و بالاخره با توجه به اوضاع و احوالی که در نواحی از فرهنگ ملی و ایجاد تنگ روی ملی و طیفه فرود ملت ایران است، انحلال دانشگاه شکر فانی که به خارج باروری خود رسیده است مسلما هرگز نمی تواند صورت یابد. جامعه دانشگاهی فرارگردد و با صلاح احتمالی - اقتصادی منطبق میماند."

این نامه را ۱۳۷ تن از اعضاء هیات علمی دانشگاه تهران امضاء کرده بودند.

پیش از آن - یعنی در تاریخ یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه مجمع عمومی کادر آموزشی این دانشگاه با اکثریت قاطع قطعنامه زیر را تصویب کرده بود:

" با توجه به سباز مردم سلطنت به کادر فنی متخصصین کادر و داوطلبین ورود به دانشگاهها، به اذکرات تضییع و طولانی با مقامات مسئول و نامه اخیر کادر آموزشی به جناب آقای نخست وزیر و سرور مورخ ۲۷/۲/۳۷ شورای دانشگاه در مورد اعلام آمادگی پذیرش حد اقل ۷۰۰ دانشجو برای مبرماه سال جاری در پردیسه تاسیس:

کادر آموزشی دانشگاه صنعتی آریامهری تهران از تاریخ یکشنبه ۱۷/۲/۳۷ تا اعلام رسمی پذیرش دانشجو برای پردیسه تهران در رسانه های گروهی کشور، ازاد است فعالیت آموزشی خود را در پی خواهد نمود."

این قطعنامه مورد پشتیبانی کامل دانشجو یان قرار گرفت و آنها نیز طی قطعنامه ای به پشتیبانی از این خواست عادلانه و حقانی تلاش هار ابروم کردند.

هیات علمی کارکنان دانشگاه صنعتی تهران صحر طی اعلامیه ای، ضمن تبریح مومنت حماسی و پراهمیت این دانشگاه در حیات دانشگاهی فرهنگی کشور و توسط های خدمت ملی رژیم در جلوگیری حرکت اصول و متقابل ملی این دانشگاه خاطر نشان ساختند:

"مانگاهی اجتماعی بنابر آنچه فعالیت دانشگاه صنعتی آریامهری در پی باهم که اعمال فشارهای مادی و معنوی ناشی از بهد این جامعه صحری تحت سلطه رژیم وابسته، کارکنان این دانشگاه را به عنوان بخشی از ملت ایران بر سر درواهی تصمیم وصل قرارداد بود. این جامعه کوچک بسیار می بایست فارغ از اوضاع و احوال سیاسی اقتصادی کشور به صورت عاقل و آزادانه اجرای برنامه های صحری حکومت در آید و پارسلت خود را در خدمت به سلطنت و همجنسین تاسیس حقوق مادی و معنوی خویش به انجام رساند. کارکنان دانشگاه ملی رژیم نظرات عوامل حکومتی را در اتمام

رژیم سیاه و شقایق‌های سرخ

چهار دانشجوی دانشگاه تبریز

در حمله گراهای رژیم شهید شدند

تلاش مبارک‌دیگر روی سینه درها دانشجوی آزاد بخود دانشگاه تبریز نگنجد. رکهار گلوله هادر دانشگاه تبریز یک بار دیگر خاطره نوم ۱۱ آذر را تکرار کرد. چهار دانشجوی این دانشگاه به صف معلول شهید ای راه آزادی ایران پیوستند و در دانشگاه تبریز در خون غصه در طغیان در حمله ترها به دانشجویان دانشگاه تبریز به ترازه پهن درها دانشجوی دختر و پسر در محیط دانشگاه علم و دانش ماند هر کسار مردی و جمعی دیگر در اسیر به فریاد شمع شاه به دستگیر از زندان‌ها و پست (ارتشبدت) که در لباس سر نشاندار آذر باجهان سخن برانده حکومت نظامی در آذربایجان قویان را زنی که صورت گرفته.

این حمله و بی‌رحمیه سبک سپاهان حاکمان برانداز معول را استادان دانشگاه تبریز بیشتر و مضیق

خواست‌های زیر را انتشار دارند:

- ۱- اطمینان خشونت به هر عنوان در دانشگاه سبک و اسلحه و کار و ماموران انتظامی به استاندارد تعسار.
- ۲- آذری مجروحان و دستگیر شدگان حادثه اخیر دانشگاه تبریز تقاضاست.
- ۳- در صورتی که در اثر حوادث مذکور شرایط پس‌آید که نیم سال تحصیلی جاری منحل شود، از اجرای مقررات انضامی نرم (مجموعی و احتساب صفر برای واحد‌های انتخاب شده) خودداری شود.
- ۴- معرفی و مساعده علنی ماموران متخلف که ایمن حادثه را پلر آورده‌اند.

این قطعنامه مورد تصویب حدود سه هزار نفر از استادان و کارکنان دانشگاه قرار گرفته است.

طبق گزارش دانشجویان دانشگاه تبریز و شرکت کنندگان این اجتماع پس از تصویب قطعنامه به مدت سیصد ساعت در محوطه دانشجویی زندگانشان. دانشگاه تبریز و سلامت در محوطه دانشجویی زندگانشان. دانشگاه تبریز و سلامت در محوطه دانشجویی زندگانشان. دانشگاه تبریز و سلامت در محوطه دانشجویی زندگانشان.

اعلامیه و تظاهرات پرشور دانشجویان دانشگاه تهران

دانشجویان دانشگاه تهران طی اعلامیه ای پررنگ روی بسیاری از حقایق پنهان در دانشگاه تهران که رژیم در بره آن‌ها سبکسوزی برپا کرده است پرداختند. در این اعلامیه آمده است:

علی‌رغم تبلیغات وسائل ارتباط جمعی مبنی بر دادن آزادی‌های بیشتر به دانشگاهها و آزادسازی دانشجویان دانشگاه تهران از آغاز سال تحصیلی شاهد اعمال صدها قانونی و تشدید اختناق در محیط دانشگاه و سبکسوزی ماهیت خواست‌ها و اعمال دانشجویان به وسیله مقامات بوده ایم. پس از اعلام محرومیت ۱۵۰ تن از دانشجویان به مدت یک تا سه ترم در تراز گذشته و ثبت نام نکردن دانشجویان سال اول اقتصاد در ترم دوم و اکنون مقامات آموزشی با دادن نمره "ه" به حدود ۱۲۰۰ تن از دانشجویان و اخراج بی دلیل بیست و پنج درصد از دانشجویان دانشگاه‌های حقوق و ادبیات و علوم اداری و علوم اجتماعی صرفاً به واسطه ایجاد شرایط ضد آموزشی در دانشگاه در امتحاناتی که اصولاً برگزار نشده و شرکت نکردند اندک به عمل غیر قانونی دستگیری زده اند که با مخالفت شدید استادان نیز روبرو شده است و استوارطمینان به ادامه محضمانه راکه از حقوق اساسی هر انسانی است از ما سلب کرده اند.

از آنجاکه در جریان گیری این مسائل روسای دانشگاهها از خود سبب مسئولیت نکرده اند و لذا برای تذکره رژیم در دانشگاه و بیان خواست مان مبنی بر لغو نمره "ه" و ثبت نام از دستمان ادراعی ساعت ۱۲ روز دوشنبه ۲۵/۱۰ در محل زمین چمن دانشگاه گردی آمیم. دانشمندان دانشگاه تهران

به دنبال این اعلامیه که صرفاً برای اطلاع دانشجویان جهت تصمیم گیری صادر شده بود، روز دوشنبه ۲۵/۱۰ گار دانشگاه محوطه چمن را محاصره کرد. دانشجویان دانشگاه حقوق ساعت ۱۲ خود را به محوطه انضام رسانده و رساندن پلی گارد از طبق شدن دانشجویان هنرها و ادبیات و بعضی ورزشی که دانشجویان حقوق جلوگیری کرد. علی‌رغم این محاصره و جلوگیری درها دانشجویان

تظاهرات پرشور دانشجویان

به مناسبت اول ماه مه

دانشجویان دانشگاه تبریز به مناسبت اول ماه مه (روز همبستگی رزنده کارگران جهان) تظاهرات پرشور و سازمان‌یافته در دانشگاه تبریز در حیابان عباسی از حیابان‌های غربی تبریز خود را در محوطه (شهر) دست به تظاهرات زدند که بلافاصله با پشتیبانی و اشتغال کم سابقه زحمتکشان ساکن محل روبرو شد. این استقبال آن چنان پر شور بود که طبق گزارش مورخین و نوبه که در تظاهرات شرکت داشت بیش از زمان از قبول تخمین شده ادامه یافت. در جریان تظاهرات دانشجویان تعداد زیادی تراکت در پاره روزاول ماه مه پخش کردند که با استقبال روبرو شد. صدا تظاهر کنندگان با کات بزرگ پارچه ای که مضمون آن دریا، در روز اول ماه مه و افشاگری خیانت‌های رژیم بود سینه آرا موری طلسم کارگران و زحمتکشان ایران بود با خود حمل کردند. در پایان این تظاهرات که گروه زیادی از زحمتکشان محل ساکن آن هنگام شده بودند، تظاهر کنندگان با دکارگران شهید انتصابی (جهان جیت) را گردای داشتند. تظاهر کنندگان پیش از رسیدن پلیس مفرق شدند و گسهای شاه نتوانستند به آن‌ها دست بزنند.

دانشجویان تبریز به تظاهر کنندگان حمله کرده و ده‌ها را دستگیر نمود. هنگام ورود به تظاهر کنندگان شکست انگیز بود. از حمله پلیس و ارتش بسیاری از دختران تظاهرکننده را بر دم به داخل خانه هایشان راه دارند و درها ساکن محلات اطراف می‌شوند و کاسب‌های محل دانشجویان و دیگر تظاهر کنندگان را که از چنگ گارد ارضی شاه فداوار کردند بران فرار از حمله می‌کردند و آدرس کویچه‌های راکه در ورود است در اختیار آن‌ها می‌گذاشتند.

همین گزارش‌ها حاکی است که بسیاری از مردم خدای هنگام امج گری تظاهرات در حالی که آن‌ها فریاد می‌زدند "مردم به ما ملحق شوید - ما ساکنان دانشگاه و روسای خیابان برای دانشجویان تظاهر کنندگان دست می‌زنند و هورا می‌کشند."

دانشگاههای مختلف موفق شدند در زمین چمن اجتماع کنند و ساواک و گارد که از اجتماع دانشجویان وحشت زده شده بود توطئه جدیدی را چید. با انبوهیل رها که دوسه سر نشین داشت در اطراف محوطه چمن به گردش درآمد. از بلندگوی این انبوهیل ساواک بدام شعاع زنده پستاد شاه پخش می‌شد. کسی که صدای در گاه آشنی را پشت می‌گرفتند با کرده بود یکی از ماموران ساواک بود. این توطئه هم کارگر نینفاند و دانشجویان با حفظ آرامش اجتماع خود را ادامه دادند.

یکی از فرماندهان نظامی که در کار محاصره دانشجویان در حالت داشت در این لحظه با پیش‌گام است و از دانشجویان خواست تا محوطه دانشگاه را ترک کنند. دانشجویان که طبق برنامه قبلی برای رجوع به دبیرخانه دانشگاه منتظر چنین شرایطی بودند با آراش کامل و به طری دستمجمعی محوطه دانشگاه را ترک کردند و در پیاده روی مقابل دبیرخانه روی زمین نشستند. این عمل نظر صدها عابر پیاده را در منطقه ۲۱ آشفته به خود جلب کرد و گارد که نا فنگور شده بود برای مفرق کردن اجتماع کنندگان و جلوگیری از موشن مردم به دانشجویان حمله بهمنیابه اورابه آنها آغاز کرد. دانشجویان از این لحظه به بعد فریاد "ترک بر این حکومت فاشیستی" در دست شرق و جنوب دانشگاه به حرکت در آمدند. دو گروه بزرگ دانشجویان در حیابان می‌شوند و به شاه سینه کدیرگر ملحق شدند و فریاد "مردم به ما ملحق شوید" حرکت خود را ادامه دادند.

گزارشگران نوبه می‌نویسند تظاهرات خیابانی‌سی‌تری با استخاک گرم مردم روبرو شد. چند معازه داری که دست‌ناتمه شایعات ساواک مبنی بر شکست و آتش زدن معازه هار انبوهیل‌ها نرسیده بودند و درصدد بودند معازه‌های خود را ببندند. بعد از حضور تظاهر کنندگان بدین حمله به معازه‌ها بزرگه‌های خود را بالا کشیدند و به دیکران هم توصیه کردند معازه‌ها را ببندند. به ما گذاری ندارند. درون گنجه بودند. این اجتماع‌ها آراش نشی زنده. کار که در این روزها گنجه سروهای او تسنیر (کار و تظاهرات) در خیابان‌ها مستقر شده بود در

بیانیه

جمعیت حقوقدانان ایران

۱۰ سال پیش در چنین روزهای جدمیت حقوقدانان ایران بنیاد گرفت و سپس با تعصب و انتشار بیانیه های مورخ بهشت تیر و چهاردهم مهر فرام فکری و سازمانی با نیست. هدف از تشکیل این جمعیت استقرار حکومت قانون و تامین استقلال قوه قضائیه و آزادی های فردی و اجتماعی مند روح در قوانین اساسی ایران است به همین جهت کسانی که در سالیان گذشته از قانون فقط نام آن را خواسته اند هنگامی که با تعلق این اندیشه روبرو شدند به مقابله ناخواندانه ای با آن پرداختند.

این مقابله با اخراج بسیاری از اعضاء کنندگان بیانیه های این جمعیت از مشغولیت بزرگت در ادارات و سازمان های دولتی آغاز شد و سازمانی که ایجاد تعصبات و مشکلات دیگری برای افراد این جمعیت از قبیل مطالبه مالیات های کزای، هنگامی و تودیه و ارتعاب گوی و تلفظی در روحیه و عزم استوار درستان مایوس نتواند آزادی و سلاطین و امنیت و کلاهی دادگستری در معرض مصادره قرار گرفت.

یکی از درخشان ترین کارهای افراد جمعیت ما دفاع از بی گناهانی بود که در چند ماهه اخیر در اعتراضات و تظاهرات خیابانی ویا به طلل دیگر دستگیر و زندانبندی شدند. و کلاهی که در این محاکمه شرکت کردند نشان دادند که با شناخت رسالت راستین و اصل و کلیل دادگستری برای آشکار کردن حقیقت عزم خود را جزم کرده و بزرگ مباحث قانونی از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند و به همین جهت نیازهای ناخواندانه در درجه اول متوجه عده ای از این گروه شد:

۱- در تاریخ ۱۳۵۷/۱/۲۹ به منزل آقای هدایت الله ضیق دفتری بصب پرتاب کردند.

۲- در همان روز سی در مدخل دفتر وکالت آقایان شوهرسهروردی و محمد زارعی متغیر شد.

۳- در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۲۷ آقای دکتر عبد الکریم لاهیجی توسط گروهی همجهاد هم بود ابراد ضرب و جرح قرار گرفتند همان شب بی در دفتر وکالت ایشان متغیر نمودند.

۴- در همان تاریخ بی به منزل آقای آبروش فرورسور وکیل دادگستری پرتاب کردند.

۵- به منزل آقای حسن زبیر دستبرد زدند و علاوه بر متادری او را و اسناد شخصی ایشان تعدادی از فرش هم به سرقت رفت.

۶- آقایان الله بزرگان وکیل دادگستری مهم رضائیه به عمل کمیسرین امنیت احتمالی به رامهرمز تبعید گردیدند. ما از مردم آزاده ایران و کسانی که به حکومت قانون ایمان و اعتقاد دارند درخواست می کنیم که در برابر این نوظئه ها و تندیازهای وحشیانه به حریم دفاع و امنیت و کلاهی دادگستری به اعتراض برخیزند و با انشای ماهیت این نوظئه ها سازمان دهندگان آن را با زهم و سوانسو سازند.

جمعیت حقوقدانان ایران تهران - ج پاد ۴۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷

اعتصاب زندانیان سیاسی در تبریز و قزل حصار

۱- زندانیان سیاسی تبریز برای اعتراض به شرایط دشوار و غیر انسانی حاکم بر زندان ها از سوم اردیبهشت ماه اعتصاب طلاقت کردند. این زندانیان در زیر بمباری سرسبز در دشمنان طی نامه ای خواست های خویش را اعلام داشته اند. در نامه آمده است: ما زندانیان سیاسی تبریز اعلام می داریم که در ادگاه های سری و نظامی غیر قانونی به خاطر خواندن اعلامیه و کتاب و جزوه و یا به خاطر شرکت در اعتصابات و دانشگاهی به زندان های دراز مدت محکوم شده ایم و برخلاف گفته های رژیم کدر تطواعت بین المللی اعتکابی می باید طرا شکیه کرده اند. بنابراین:

۱- اعتصاب ما خواهان تجدید محاکمه به صورت علنی در ادگاه های عامی دادگستری با حضور هیئت منصفه هستیم.

۲- بد ما طی چند نامه از وضع زندان شکایت کرده ایم اما سکولان به خواست های ما که به شرح زیر است، وقعی ندادند:

۱- استفاده از مطبوعات و کتاب های داخلی و خارجی مجاز در ایران؛

۲- استفاده از آزادی و روح و شخصیت به صورت شخصی؛

۳- امکان ملاقات با خصلت زندان درجه دوم؛

۴- امکان استفاده از دکتر تخصصی و بیمارستان؛

۵- تعمیر وسائل زندانبندی و زندان؛

۶- افزایش چوره غذا؛

۷- جلوگیری از گرانفروشی فروشگاه زندان؛

۸- گسترش فضای مناسب برای زندانیان؛

۹- ایجاد کارگاه در زندان.

این نامه برای افراد و کمیته های زیر فرستاده شده است:

رئیس کمیسرین حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران، رئیس کمیته دفاع از حقوق بشر و پیشرو آن در ایران.

زندانیهایی که نامه را اضا کرده اند، محکومیت شان از اعلی سنا، تا ابد است.

نامه زندانیان سیاسی تبریز در شرایطی نوشته شده است که هفت ماه از اعتصاب زندانیان سیاسی زندان قزل حصار و آذربایجان هیچ خبری درباره آن ابتر و روزم سخنان آریا مهری منتشر نشده است. زندانبندان زندان قزل حصار نیز به شرایط دشوار و محدودیت های غیر انسانی حاکم بر بیگانه های شاه معتقدند.

جنبات رژیم در خانه آیت الله شریعت مداری

نامه ای در شهر تبریز به انضای احمد بنی احمد نماینده تبریز در مجلس شورای ملی دست به دست می گردد که بر اساس شواهدات این نماینده از شهر تبریز نوشته شده است. گفته می شود قسمت های از نامه مورد بحث حتی در مجلس شورای ملی خوانده شده است. اما تطواعت کوفته می روند گروهی و تبلیغاتی رژیم در باره آن مهر سکوت بر لب زده اند. ما قسمت هایی از این نامه را که تنها گوشه ای از فحاح رژیم شاه - ساوان را در قلم قاشی کند، چاپ می کنیم:

در حدود سلطنت ۱۰ بدون کوچکترین هلت و حتی وجود بهانه به ناگاه ما جوین صلح انتظامی با تهاجم غیر قانونی هواک: زمین و کبار مسلط وارد صحن شده و بیسی آن که در میانه کمی اندیشه مقاومت با فرصت سورا باشد. در تبریز ما جوین قرار گرفته و مورد ضرب و جرح و سنا، واقع می گردید. فضای محرم و مهر شمعیمان جهان از این حادثه دستخوش خرابی وقت آوری میگردد. در بازیه از منزل حضرت آیت الله العظمی شخصاً در داخل یکی از اتاق ها رو بر فرش معز طلا می شده و بیکه ها رخشنگ و صحنه ها و خاک کور دیگر مشاهده کردم. تجاوز به حریم و کانون مرجع و چنانیت... موجب خنجر کشی شدید مردم و آزر دگی عمیق خاطر حضرت آیت الله العظمی را فراهم کرده است. به جاست که زبان آن مقام عالیقدر بگوئیم:

... ما بارگاه داریم این رفت ستم بر ما!

* صرف نظر از حوادثی که در شهر قم انضای افتاد است، باید از روز چهارشنبه گذشته صحن تبریز محرم سکوتی حضرت آیت الله العظمی آقای سید کاظم شریعت مداری مانند روزهای عادی مرکز رفت و آمد افراد روسا و غیر روحانی و زبان برای رفع حوائج دینی بود است که

تبعید برادر آیت الله خمینی

سلطنت ۱۱ شب پنجم ۲۱ اردیبهشت، گزارش می شاه حضرت آیت الله سلم مرتضی چندین بار در خانه اترید دستگیر کردند. وی برا در بزرگ و نماینده آیت الله خمینی در ایران است. ما موران بعد از دستگیری برادر آیت الله خمینی، او را به نقطه نامه لوی بردند.

پیام برای گروه تند

رفقای گرامی، خواهش می کنیم هر چه زود تر با مرکز حزب تماس بگیرید و به با درود های گرم

تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری شرط لازم برای سرنگونی رژیم شاه است!

با ما هم پیوسته کار کنید! Sweden 10028 Stockholm 49 P.O.Box 49034 حساب بانکی ما Sweden Stockholm Stockholms Sparbank Nr O 400 126 50 Dr. P.O. ۹